



Narrative Strategies in the Critical Discourses of the novel "Jazirey-e sargardani" by Daneshvar Based on the Level of Description (Linguistic and Rhetorical Analysis) of Norman Fairclough's Approach

Parvin Gholamhoseini ¹ | Hamidreza Ghanooni ² | Jahangir Safari ³

- 1 Corresponding author, Ph.D. in Persian Language and Literature, Shahrekord University, Shahrekord, Iran. E-Mail: parvin2012gh@yahoo.com
2 Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Payam Noor University, Tehran, Iran. E-Mail: hrgghanooni@pnu.ac.ir
3 Professor of the Department of Persian Language and Literature, Shahrekord University, Shahrekord, Iran. E-Mail: safari-j@sku.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received 14 May 2023 Received in revised form 26 February 2025 Accepted 24 May 2024 Published online 09 June 2024</p> <p>Keywords: Critical discourse analysis, Fairclough, Linguistic analysis, Rhetoric, Jazirey-e sargardani.</p>	<p>Critical discourse analysis is an approach that examines language as a form of social function and emphasizes on the reproduction of social and political power through text and dialogue. Discourse analysis or speech analysis refers to studies that analyze written, spoken or sign language. Fiction is considered the most serious format in terms of mixing with human, cultural and social dimensions. Therefore, it can be claimed that the capacity of the story in terms of proportionality with the discourse analysis is to the extent that the stories can be considered as the container of the discourse of the author's time and the mirror of his society. One of the important components in critical discourse is Norman Fairclough's model. Using his components, one can find features in the text that are ignored by normal reading. Due to its unique nature and close links with society and social and political events, the novel "Jazirey-e sargardani" has a lot of significance with the method of discourse analysis and the discovery of its special stylistic elements; By pondering and re-reading it, one can understand the important events and the political currents of Iran and the biggest issues in the minds of the novel's characters. In this research, the interaction and intertextual communication of the discourses of the novel "Jazirey-e sargardani" by Daneshvar, with political-social issues, effective linguistic and paralinguistic features and logical relationships between words are investigated. According to the investigation, these results were obtained: that all the rhetorical and grammatical techniques, including the types of semantic layers, metaphors and their dynamic use, the choice of vocabulary appropriate to the characters, the process of modeling and metaphorical explanation, the selection of the third person point of view, the use of adverbs as (one of the most important linguistic profiles that show the extent and intensity of worldview) and... all serve the author's purpose i.e. to express the historical realities, the contemporary cultural, intellectual and social conditions of Iran and the spiritual and psychological concerns of his personal life.</p>
<p>Cite this article: Gholamhoseini, P. Ghanooni, H.R., Safari, J. (2023). Narrative Strategies in the Critical Discourses of the novel "Jazirey-e sargardani" by Daneshvar Based on the Level of Description (Linguistic and Rhetorical Analysis) of Norman Fairclough's Approach. <i>Rhetoric and Gramer Studies</i>, 13 (24). 180-199. DOI: https://doi.org/10.22091/JLS.2024.10197.1564</p>	
<p> © The Author(s) DOI: https://doi.org/10.22091/JLS.2024.10197.1564 Publisher: University of Qom</p>	

تحلیل شگردهای روایی در گفتمان‌های انتقادی رمان «جزیره سرگردانی» دانشور بر اساس سطح توصیف (تحلیل زبان‌شناختی و بلاغی) رویکرد نورمن فر کلاف

پروین غلامحسینی^۱ | حمیدرضا قانونی^۲ | جهانگیر صفری^۳

۱ نویسنده مسئول، دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. رایانامه: parvin2012gh@yahoo.com

۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: hrghanooni@pnu.ac.ir

۳ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. رایانامه: safari-j@sku.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۴</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۰۸</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۴</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰</p> <p>کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، رویکرد فر کلاف، تحلیل زبان‌شناختی، جزیره سرگردانی.</p>	<p>تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی است که زبان را به عنوان شکلی از کارکرد اجتماعی بررسی می‌کند و بر نحوه بازتولید قدرت اجتماعی و سیاسی به وسیله متن و گفتگو تأکید می‌کند. تحلیل گفتمان یا تحلیل کلام به مطالعاتی اطلاق می‌شود که زبان نوشتاری، گفتاری یا نشانه‌ای را مورد تحلیل قرار می‌دهند. ژانر «داستان» جدی‌ترین قالب از نظر درآمیختگی با ابعاد انسانی، فرهنگی و اجتماعی به شمار می‌آید. بنابراین می‌توان ادعا کرد که ظرفیت داستان از حیث تناسب با تحلیل گفتمان، تا حدی است که بتوان داستان‌ها را ظرف گفتمان‌روزگار نویسنده و آیین جامعه او دانست؛ یکی از مؤلفه‌های مهم در گفتمان انتقادی، الگوی نورمن فر کلاف است که با بهره گرفتن از مؤلفه‌های او می‌توان ویژگی‌هایی را در متن یافت که با قرائت عادی نادیده گرفته می‌شوند. رمان «جزیره سرگردانی» به دلیل ماهیت منحصر به فرد و پیوندهای نزدیک با جامعه و وقایع اجتماعی و سیاسی با روش تحلیل گفتمانی و کشف عناصر سبکی ویژه آن سنخیت زیادی دارد؛ که می‌توان با تأمل و بازخوانی آن، به حوادث مهم و جریان‌ساز سیاسی ایران و بزرگ‌ترین مسائل در ذهن شخصیت‌های رمان پی برد. در این پژوهش نحوه تعامل و ارتباط بینامتنی گفتمان‌های رمان «جزیره سرگردانی» اثر دانشور، با مسائل سیاسی-اجتماعی، مختصه‌های زبانی و فرازبانی مؤثر و روابط منطقی بین واژه‌ها، مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه با بررسی‌های صورت گرفته شده، این نتایج حاصل شد که تمامی شگردهای بلاغی و دستوری از جمله انواع لایه‌های معنایی، استعارات و کاربرد پویا سازی آن‌ها، انتخاب واژگان متناسب با شخصیت‌ها، فرایند مدل‌سازی و تبیین استعاری، گزینش زاویه دید سوم شخص، کاربرد قیده‌ها به عنوان (یکی از مهم‌ترین نمایه‌های زبان‌شناختی که مبین میزان شدت جهان‌بینی هستند) و... همگی در خدمت هدف نویسنده- بیان واقعیت‌های تاریخی، اوضاع فرهنگی، فکری و اجتماعی معاصر ایران و دغدغه‌های روحی و روانی زندگی شخصی خود- هستند.</p>

استناد: غلامحسینی، پروین؛ قانونی، حمیدرضا؛ صفری، جهانگیر. (۱۴۰۲). «تحلیل شگردهای روایی در گفتمان‌های انتقادی رمان «جزیره سرگردانی» دانشور بر اساس سطح توصیف (تحلیل زبان‌شناختی و بلاغی) رویکرد نورمن فر کلاف». پژوهش‌های دستوری و بلاغی. دوره ۱۳. شماره ۲۴. صص: ۱۹۹-۱۸۰. <https://doi.org/10.22091/JLS.2024.10197.1564>



۱) مقدمه

تحلیل گفتمان انتقادی، رویکردی بینارشته‌ای برای مطالعه گفتمان است که زبان را به عنوان شکلی از کارکرد اجتماعی بررسی می‌کند و بر نحوه بازتولید قدرت اجتماعی و سیاسی به وسیله متن و گفتگو تأکید می‌کند. گفتمان‌شناسی یا تحلیل گفتمان یا تحلیل کلام یکی از زیرشاخه‌های علم زبان‌شناسی، به مطالعاتی اطلاق می‌شود که زبان نوشتاری، گفتاری یا نشانه‌ای یا هر گونه پدیده نشانه‌شناختی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. «موضوع تحلیل گفتمان (نقل قول، متن نوشته شده و گفتار) در قالب رشته‌های منسجمی از تعدادی جمله، گزاره، عبارت، گفتار و مناظره تعریف می‌شوند. زبان‌شناسی تا حدودی به این حوزه نزدیک است؛ با این تفاوت که در تحلیل گفتمان به جای ساختار متن، در پی کشف ویژگی‌های اجتماعی- روان شناختی افراد هستیم. صاحب‌نظرانی مانند نورمن فرکلاف در زمینه معرفی و رشد تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان گرایشی نو در تحلیل متن نقش مهمی داشته است. از دید فرکلاف بر اساس تحلیل گفتمان با دو چارچوب متنی و فرامتنی مواجه هستیم؛ بخش نخست، ماهیتی سبکی، نحوی- معنایی و بخش دوم ماهیتی اجتماعی- سیاسی و فرهنگی دارد. در این روش علاوه بر عناصر لغوی و نحوی تشکیل دهنده جمله، با عناصر بافت موقعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز سروکار داریم» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸). بررسی ادبیات سیاسی معاصر، به ویژه متون داستانی در دهه‌های اخیر، با تحلیل گفتمان انتقادی پیوند خورده است و منتقدان کوشیده‌اند با استفاده از این رویکرد، روابط قدرت را در داخل متن بیابند و در این راستا، به نوعی قدرت سیاسی حاکم و ایدئولوژی نویسنده پی ببرند. در پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی، برخی از گفتمان‌های غالب موجود در «جزیره سرگردانی» با توجه به رویکرد انتقادی فرکلاف (با توجه به سطح توصیف) مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. در این الگو به کمک ابزار زبان‌شناختی می‌توان لایه‌های زیرین معنایی این آثار را با توجه به عواملی چون بافت تاریخی و فرایندهای اجتماعی، سیاسی آشکار کرد.

۱-۱) پرسش‌های پژوهش

در این پژوهش سعی بر آن است تا به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

- بافت سیاسی- اجتماعی چه تأثیری بر زبان رمان جزیره سرگردانی دارد؟

- نویسنده از کدام یک امکانات و شگردهای زبانی و بلاغی برای بیان مفاهیم ایدئولوژیک بهره گرفته‌اند؟

۱-۲) روش پژوهش

در پژوهش حاضر با روش توصیفی- تحلیلی، رمان جزیره سرگردانی با توجه به رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این شیوه به کمک ابزار زبان‌شناختی می‌توان لایه‌های زیرین معانی این رمان را با توجه به عواملی چون: بافت تاریخی، فرایندهای اجتماعی، سیاسی و ... آشکار کرد. روش تحلیل این گونه است که ابتدا با پردازش لایه‌های مختلف آثار (لایه واژگانی) گفتمان‌های غالب دارای بار ایدئولوژیک گزینش می‌شوند. در ادامه گفتمان‌ها بر اساس نظریه فرکلاف در سطح توصیف مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در الگوی فرکلاف، سطح توصیف پیش‌زمینه و اساس دو سطح تفسیر و تبیین است. از این رو در این پژوهش سعی شده به بررسی نکات دستوری و بلاغی این

رمان که پایه دوسطح دیگر است، پرداخته شود. لازم به ذکر است تمامیشواهد ذکر شده‌هاز میانایدئولوژی‌های مطرح شده در سطح تبیین انتخاب شده‌اند.

۳-۱) پیشینه پژوهش

در زمینه «تحلیل گفتمان انتقادی» پژوهش‌های گوناگونی صورت گرفته است؛ که برخی از آن‌ها عبارتند از: قنبری (۱۳۸۲)، «مقایسه تحلیل انتقادی گفتمان داستان کوتاه معاصر بزرگسالان و داستان‌های کوتاه معاصر نوجوان»؛ به راهنمایی لطف‌الله یارمحمدی؛ این تحقیق به بررسی و مقایسه ساختارها و مؤلفه‌های گفتمان‌مدار موجود در داستان‌های کوتاه معاصر بزرگسال و نوجوان پرداخته است.

آقاگل‌زاده و غیاثیان (۱۳۸۶)، «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»؛ در این مقاله سعی شده است با مروری بر خاستگاه تحلیل گفتمان انتقادی و معرفی مکاتب تأثیرگذار بر آن، به بیان اشتراکات و افتراقات رویکردهای غالب در آن پرداخته شود. پژوهشگران در پایان به این نتایج رسیده‌اند که با وجود تفاوت‌هایی که در رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی به چشم می‌خورد، همه هدف واحدی را دنبال می‌کنند و آن نشان دادن رابطه دیالکتیک میان زبان، قدرت و ایدئولوژی و نقش مؤثر زبان در تجلی قدرت و مشروعیت‌بخشی به روابط نابرابر اجتماعی است.

حسینی (۱۳۹۶)، در پایان‌نامه «بررسی تطبیقی تحلیل گفتمان انتقادی در دو رمان الارض عبدالرحمن الشرفاوی و جای خالی سلوچ محمود دولت‌آبادی بر اساس نظریه فرکلاف» به توصیف متن دو رمان به لحاظ ساختار زبان‌شناسی، تفسیر بافت موقعیتی، گفتمان‌های بینامتنی، تبیین ساختارهای به کار گرفته شده در دو رمان (الارض عبدالرحمن الشرفاوی و جای خالی سلوچ محمود دولت‌آبادی) پرداخته است.

منظری و همکاران (۱۳۹۷)، «تحلیل گفتمان انتقادی «وظایف مرید» از دیدگاه قشیری براساس رویکرد فرکلاف»؛ در این پژوهش باب آخر رساله قشیری که دربرگیرنده سفارش به مریدان است، بر اساس نظریه فرکلاف تحلیل شده است. در این بررسی نتایج نشان می‌دهد که ایدئولوژی قشیری در شیوه استفاده از عبارات و کلمات آشکار می‌شود. گفتمان‌های مسلط بر این باب شامل تعظیم، تسلیم مرید در برابر پیر هستند که به بازنمایی اوضاع اجتماعی و فرهنگی و سیاسی پرداخته‌اند.

ذوالفقاری و دسترنج (۱۳۹۸)، «بررسی آیات «تحدی» براساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی «نورمن فرکلاف»؛ این پژوهش در پی رهیافتی جدید به منطق نزول آیات تحدی با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، به بررسی چگونگی تعامل زبانی قرآن با اوضاع خفقان‌آور مسلط بر زمان می‌پردازد و چگونگی پیوند آیات تحدی با قدرت مسلط بر جامعه را در سه لایه توصیف، تفسیر و تبیین بررسی می‌کند.

شرکت مقدم و همکاران (۱۴۰۰)، «تحلیل گفتمان انتقادی شما که غریبه نیستید براساس رویکرد نورمن فرکلاف»؛ پژوهشگران در پایان به این نتایج دست یافته‌اند که موضوع این داستان، از یک سو فقر و بی‌سوادی حاکم بر جامعه و اوضاع نابه‌سامان اجتماعی روستاها و از سویی دیگر احساس آزادی و تلاش برای دستیابی به قدرت نزد شخصیت‌های اصلی داستان که در کلمات و عبارات‌های متن نهفته است.

با توجه به جستجوهای صورت گرفته شده در زمینه تحلیل شگردهای روایی در گفتمان‌های انتقادی رمان «جزیره سرگردانی» دانشور بر اساس سطح توصیف (تحلیل زبان‌شناختی و بلاغی) رویکرد نورمن فرکلاف، به ندرت مورد توجه منتقدان رمان قرار گرفته است؛ از این رو پرداختن به این رمان می‌تواند فتح بایی برای ورود به دنیای اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی نویسنده دانشور باشد.

۱-۴) اهداف اصلی

- بررسی و رمزگشایی لایه‌های زبانی و بلاغی رمان (سطح واژگانی و دستوری و ساختاری متن)؛
- دستیابی به ترندهای نویسنده برای بیان مفاهیم ایدئولوژیک خود.

۲) تحلیل و بررسی

مطالعه انتقادی زبان می‌تواند در تحقیقات اجتماعی و علمی مورد استفاده قرار گیرد. فرکلاف «توجه به زبان در تولید، تغییر و حفظ روابط اجتماعی قدرت» و «افزایش آگاهی نسبت به این که چگونه زبان در سلطه بعضی بر بعضی دیگر نقش دارد» را از مهم‌ترین اهداف خود می‌داند (ر.ک: آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۷). از نظر او زبان بخشی از جامعه و فرایندی مشروط به دیگر بخش‌های غیر زبانی جامعه است. اساس رویکرد انتقادی بر این اصل استوار است که بین رخداد‌های جزئی و ساختارهای بزرگ ارتباطی وجود دارد (ر.ک: فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۷). در بررسی گفتمانی هر متنی، درک تأکیدهای متن از تحلیل واژگانی آن، از اهمیت بسیاری برخوردار است. توسط چنین تحلیلی به کمک ابزار زبان‌شناختی می‌توان لایه‌های زیرین معانی متون داستانی را آشکار کرد و به فهم کامل‌تری از آن رسید. هر چند فرکلاف در نوشته‌های گوناگون خود به شناساندن رهیافت خود اقدام کرده اما کتاب «گفتمان و تحول اجتماعی» مهم‌ترین اثری است که می‌توان در آن به طور منسجم به مؤلفه‌های وی دست یافت.

سطح توصیف (تحلیل زبان‌شناختی و بلاغی)

ساخت‌های گفتمان‌مدار، ساخت‌های زبان‌شناختی و جامعه‌شناختی‌ای هستند که استفاده از آن‌ها باعث می‌شود از گفته‌ای یا متنی، برداشت‌های مختلفی ممکن گردد؛ همچنین موجب پوشیدگی و ابهام متن یا صراحت آن، برجسته‌سازی بخشی از کلام و یا در حاشیه قرار گرفتن آن می‌شود (ر.ک: یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۳۳). «در این سطح، رمان در چارچوب بافت متن و روابط منطقی بین واژه‌ها توصیف می‌گردد. این مرحله با تمرکز بر واژگان و وجوه دستوری متن انجام می‌شود که در واقع با «کنش بیانی» که به مثابه کنش بنیادی هر پاره گفتار است، سر و کار دارد» (قنبری، ۱۴۰۰: ۱۲۳). تحلیل زبان‌شناختی متن نشان می‌دهد چگونه متن‌ها به گونه‌ای گزینشی، نظام‌های زبان‌شناختی را به کار می‌گیرند (ر.ک: فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۸۸). در این سطح چگونگی انتخاب کلمات از میان خیل عظیم واژگان و چرایی انتخاب آن‌ها با توجه به نکات بلاغی و دستوری مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱) کنش بیانی

فرکلاف (۲۰۰۰: ۲۳۵) در ترسیم ویژگی‌های بخشی از یک متن به عنوان یک کنش رفتاری، در حقیقت کنشی را توصیف می‌کند که «تولید کننده متن به واسطه تولید متن آن را انجام می‌دهد، مثل بیان یک گفته، قول، طرح یک سؤال، دستور و غیره». کنش بیانی به معنای تولید عبارات معنادار متشکل از واژگان و ساختار نحوی است. گوینده در این سطح از کنش گفتار، واژه‌هایی را به کار می‌برد که دارای معنای ویژه‌ای هستند (Austin, 1970: 260؛ قبری، ۱۴۰۰: ۱۲۳). در این جستار به بررسی مهم‌ترین ساختارهای گفتمان‌مدار زبان‌شناختی برای تحلیل متن پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱) روابط میان واژگان

«کلمات نقش تأثیرگذاری در میان سطوح مختلف اثر ادبی ایفا می‌کنند؛ در یک اثر ادبی موفق، مصالح به تمامی در شکل اثر با هم ترکیب می‌شوند. مصالح یک اثر ادبی در یک سطح، کلمه‌ها و در سطح دیگر، تجربه و رفتار آدمی و در سطح دیگر، نگرش‌ها و افکار بشری هستند» (موحد، ۱۳۸۵: ۴۱). زبان به عنوان «ابزاری مهم برای برقراری و حفظ روابط و دیدگاه‌های اجتماعی - سیاسی است. لذا هیچ متنی را نمی‌توان یافت که عاری از دیدگاه‌های شخصی نویسنده آن باشد» (تاجیک، ۱۳۷۹: ۵۰). زمانی که نویسنده دست به گزینش واژه‌ها می‌زند و از میان بی‌نهایت مضمونی که می‌تواند بیافریند، از واژگانی بهره می‌جوید که به بحران‌ها و حوادث در محیط پیرامون زندگی او مرتبط شود، معناداری گزینش واژگان او آشکارتر می‌شود. این درجه از حساسیت و مسئولیت‌پذیری در واژه‌های رمان «جزیره سرگردانی» بروز یافته است؛ به گونه‌ای که انعکاس برخی مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دوران زندگی نویسنده را می‌توان در لابه‌لای واژه‌های رمان مشاهده کرد.

۲-۱-۱-۱) «روابط معنایی» در محور همنشینی کلام

مقصود از روابط «همنشینی» که در تحلیل گفتمان مهم جلوه می‌کند، «در واقع شیوه‌های متفاوتی است که عناصر درون یک متن را به هم می‌پیوندد؛ یعنی عناصر بر اساس قواعدی در کنار هم گذاشته می‌شوند و سازه‌ها و سرانجام متن را تشکیل می‌دهند. روابط همنشینی اهمیت روابط جزء به کل را برجسته می‌کنند» (سجودی، ۱۳۹۳: ۵۱). از جمله شگردهایی که می‌توان آن‌ها را بر پایه همنشینی قرار داد، تناسب و تناسب تضاد است که در تحلیل گفتمان با عنوان «شمول معنایی» و «تضاد معنایی» مطرح می‌شود. در این بخش از توصیف، به روابطی خواهیم پرداخت که از طرق مختلف میان واژگان برقرار می‌شود و نحوه برقراری این روابط است که سبب تقویت معنا می‌گردد. ارتباط این واژگان با جامعه عصر شاعر، سبب تقویت و تأکید معنی مورد نظر او می‌شود و از این جاست که به عنوان یکی از مباحث تحلیل گفتمان انتقادی، شایسته بررسی است. «این روابط را از آن جهت، مفهومی نامیده‌اند که در محدوده دلالت مفهومی، یعنی رابطه مفاهیم نسبت به یکدیگر در نظام زبان، مورد بررسی قرار می‌گیرد» (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۳۱). عمده‌ترین روابط مفهومی عبارتند از: شمول معنایی، هم‌معنایی، چند معنایی و تقابلی معنایی. در این بخش از پژوهش به بررسی روابط مفهوم مثال‌های مربوط به ایدئولوژی بر مبنای واژه در رمان «جزیره سرگردانی» دانشور پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱-۱-۱) شمول معنایی

«شمول معنایی» زمانی مطرح می‌شود که معنی یکی از آن دو واژه از چنان وسعتی برخوردار باشد که معنی واژه دیگر را نیز شامل شود. در این رابطه واژه کلی‌تر، واژه «شامل» و هر یک از واحدهای مضمون این واژه، واژه «زیرمضمون» نامیده می‌شود. بر این اساس، شمول معنایی را می‌توان رابطه مفهومی میان واژه شامل و واژه یا واژه‌های هم شمول تلقی شود (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۰۰). نمونه‌ای از این روابط مفهومی در رمان «جزیره سرگردانی» دانشور عبارت است از: «سلیم می‌گفت: آنتن‌های قوی ملکی بیش از همه، کل نظام شوروی را مورد تردید قرار داد و دیکتاتوری پرولتاریا را. آب دهانش را فرو برد و افزود: نظامی که اسم سوسیالیستی داشت اما رسمش نوعی سوسیالیزم دولتی، یا به قول ملکی کاپیتالیزم دولتی. هستی گفت: اما خود ملکی سوسیالیست بود، یک سوسیالیست آزادی‌خواه ایرانی، با تکیه به حقوق و منافع کوچک و سیه روز ایران... و سلیم حرف هستی را اینطور تمام کرد. در حالی که رژیم استالینی، حزب توده را واداشت، منافع ایران را قربانی منافع آنی شوروی بکنند. در قضیه‌ی نفت شمال، در غائله‌ی آذربایجان، در مخالفت با نهضت ملی و دیگر نهضت‌های ضد استبدادی ایران...» (دانشور، ۱۳۷۲: ۲۸).

در گفتمان ایدئولوژیکی زیر، معنای توتالیتریالیسم در درون معنی کمونیسم (که موارد شمول آن را می‌سازد) واقع شده است: «هیتی گفت: سخت به فریاد چسبیده‌ایم، در حالی که روانشناسی بعد از او اینهمه گسترش پیدا کرده است. هستی گفت: همه‌اش تقصیر فریاد نیست. دامن زدن به فساد در غرب، برای منفک کردن نسل جوان از سیاست است. کراسلی گفت: پس خانم کمونیست تشریف دارند. بدان که رژیم توتالیتر با طبع انسان سازگار نیست. هیتی آهی کشید و گفت: روزگار تلخ و تباہی است. پیرها را الکل و ترس از پا می‌اندازد و جوانها را مواد مخدر و ولنگاری، و در رژیم‌های توتالیتر محرومیت از آزادی فردی» (همان: ۲۰۰).

واژه‌های مرتبط با جامعه عصر نویسنده که با روش «شمول معنایی» در محور همنشینی کلام قرار دارند، معنای مورد نظر نویسنده را تقویت می‌کنند. این واژگان در این رمان «جزیره سرگردانی» بیان‌گر مشخصات جامعه معاصر هستند و وخامت اوضاع دورانی را بیان می‌کنند که روح و روان نویسنده را درگیر ساخته و در گزینش واژه‌های رمان نفوذ بسیاری داشته است.

۲-۱-۱-۲) هم‌معنایی

هم‌معنایی یا مترادف، یکی از شناخته‌شده‌ترین روابط مفهومی است. «هم‌معنایی» در اصطلاح به معنی «یکسانی معنی» است (ر.ک: پالمز، ۱۳۸۱: ۱۰۵). «این رابطه، همواره روش فرهنگ‌نویسان برای تبیین واژگان بوده است. آنان به طور معمول سعی بر این دارند تا برای نشان‌دادن معنی یک واژه، واژه‌های دیگری را ذکر کنند که به نظر هم‌معنی نمایند. در رمان «جزیره سرگردانی» نمونه‌هایی از این کاربرد را می‌توان مشاهده کرد:

- «یک آن مثل همه خوش‌باورها باور کرد که روز از دل ظلمات مثل آب حیات از درون تاریکی زاییده شده است» (دانشور، ۱۳۷۲: ۵).

- «مراد می‌گفت که سارتر گفته دو ثلث مردم این روزگار در فقر و کمبود زندگی می‌کنند تا ثلث دیگر...» (همان: ۲۲).

گاه حوزه معنایی یا کاربرد یکی از کلمات ممکن است از کلمه دیگری وسیع‌تر باشد. مانند نسبت کلمه «اسلام» با کلماتی نظیر: «قرآن»، «عرفان»، «اسلام انقلابی» و «مهدویت انقلابی» که اولی کاربردی وسیع‌تر نسبت به کلمات دیگر دارد:

- «سلیم گفت: ما خودمان منبع الهام داشته‌ایم و داریم. مادر بزرگ گفت: مقصودشان قرآن و اسلام و عرفان است. و سلیم افزود: اسلام انقلابی، مهدویت انقلابی. ما باید به اسلام و کلیت اسلامی خودمان پناه ببریم» (همان: ۳۲).
- «هستی زهر خندی زد و گفت: یک راه آسان دیگر برای بریده شده آدم‌ها از هویت و خصلت ملی خودشان» (همان: ۱۲۰).

۳-۱-۱-۲ چند معنایی

در زبان فارسی در بسیاری موارد به کار بردن کلمه در مفاهیم نزدیک به هم ممکن است به تدریج حوزه معنایی کلمه را تا آن جا گسترش دهد که ارتباط بین معانی مختلف در ظاهر معانی نامتجانس و بی‌ارتباطی پیدا می‌کنند و این یکی از راه‌هایی است که باعث پیدایش هم‌آوائی می‌شود. «در زبان، برخی واژه‌ها به خودی خود از چند معنی برخوردارند. این مسأله را «چند معنایی» و چنین کلماتی را واژه «چند معنی» می‌نامند» (پالمر، ۱۳۸۱: ۱۱۵). نمونه‌هایی از این ارتباط معنایی را در مثال‌های زیر، از جزیره سرگردانی، می‌توان ملاحظه کرد.

جدول شماره ۱. کلمات دارای رابطه مفهومی چندمعنایی

کلمات دارای رابطه مفهومی	شاهد مثال در رمان «جزیره سرگردانی» دانشور
چند معنایی	رو زدن «هستی می‌توانست به آقای گنجور رو بزند» (دانشور، ۱۳۷۲: ۱۲۰).
	زیر گریه زدن «نزدیک بود بزند زیر گریه» (همان: ۸۷).
	حرف زدن «صدایی در سرش بلند بلند حرف می‌زد» (همان: ۹۶). «سلیم از مبارزات پدرش در دوران مصدق حرف زد» (همان: ۲۶). «مراد یک ریز حرف زده بود» (همان: ۱۸).
	سر و کله زدن «جدول ضرب را هم با همه سر و کله زدن‌ها تا پنج‌پنج تا بیشتر یادنگرفته» (همان: ۹۹).
	چشم بهم زدن «در یک چشم بهم زدن کارش را جور می‌کرد» (همان: ۱۴).
	استعمار زدگی «دست کم کشورهایی نظیر ما نباید استعمارزدگی مولود رنسانس را در دستی بجسید» (همان: ۳۱).
	ایدئولوژی زدگی «زنش سیمین از ایدئولوژی زدگی حرف می‌زند، می‌گوید تمام کشورهای جهان سوم، حتی کشورهای غربی ایدئولوژی زده‌اند» (همان: ۳۲).
	توی سر کسی زدن (تحقیر و تنبیه کردن) «هستی گفت: مجسمه را می‌بینید؟ کارگر دارد به چکش می‌زند تو سر دهقان» (همان: ۳۸).
	بال‌بال زدن (سعی کردن) «هستی یادش بود که بعد از آن کلاس، شاهین تا چند روز مثل مرغ سرکنده بال‌بال می‌زد» (همان: ۸۱).
	چند معنایی

کلمات دارای رابطه مفهومی		شاهد مثال در رمان «جزیره سرگردانی» دانشور
فعل «انداختن»	نظر انداختن	«لابد همان یک نظر حلال را همان روز در رستوران بولینگ به او انداخته بود» (همان: ۲۵).
	نگاه انداختن	«هستی پنجره را باز کرد و به حیاط نگاه انداخت» (همان: ۹۲).
	راه انداختن (روشن کرد)	«سلیم ماشین را به راه انداخت» (همان: ۳۸)

۲-۱-۱-۴ تضاد معنایی

ساختارگراها بر اهمیت تقابل‌های جانشینی تأکید داشته‌اند (ر.ک: چندلر، ۱۳۸۷: ۱۵۷). «از نظر لایتز، تقابل‌های دوتایی یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر زبان‌اند. تقابل معنایی یکی از روابط مفهومی در معنی‌شناسی زبانی است. اصطلاح «تقابل معنایی» به هنگام بحث درباره مفاهیم متقابل یا در اصطلاح سنتی معنای متضاد واژه‌ها به کار می‌رود. در معنی‌شناسی عمدتاً از اصطلاح تقابل به جای تضاد استفاده می‌شود؛ زیرا تضاد صرفاً گونه‌ای از تقابل است» (صفوی، ۱۳۷۹: ۱۱۷). «معناشناسان در مورد انواع تقابل معنایی در واژگان - تقابل مدرج، تقابل مکمل، تقابل دوسویه، تقابل جهتی، تقابل واژگانی، تقابل ضمنی و تباین معنایی - اتفاق نظر دارند. در تقابل واژگانی، واژگان به کمک تک‌واژه‌های منفی‌ساز در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. در تقابل ضمنی، ویژگی خاصی برای هر واژه در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند جزو شرایط لازم و کافی مفهوم آن واژه نیز نباشد. نمونه‌هایی نظیر راه/چاه از این دست هستند» (همان: ۱۱۷). به این ترتیب، دو واژه مذکور در معنی ضمنی خود، نه لزوماً در معنای اصلی و مؤلفه‌های معنایی خود، در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. در رمان «جزیره سرگردانی» انواع تضاد به چهار دسته (تضاد معنایی، ضمنی، واژگانی و جهتی) تقسیم می‌شوند. در جدول زیر به شواهدی از این رمان اشاره شده است:

جدول شماره ۲. کلمات دارای رابطه مفهومی تضاد

انواع تضاد	نمونه
معنایی	«باور کرد که روز از ظلمات مثل آب حیات از درون تاریکی زاییده شد، اما نورتنها یک لحظه پایید: صبح اول از دروغ خود سیاه‌روی شده بود» (دانشور، ۱۳۷۲: ۵).
	«باغبانها خاک سرند می‌کردند و نشا در دل حاشیه باغچه‌ها می‌نشاندند. می‌آراستند و می‌پیراستند و می‌کاشتند» (همان: ۷).
	«به من این امکان را می‌دهد که زن نوی که می‌خواهم، بشوم. مامان عشی به فارسی گفت: مگر زن، نو و کهنه دارد؟» (همان: ۱۵).
	«تمام کشورهای جهان سوم، حتی کشورهای غربی ایدئولوژی زده‌اند» (همان: ۳۲).
	«سلیم گفت: شیطان فردی داریم و شیطان جمعی در دوره ما شیطان جمعی است، تمام کره ارض را فراگرفته، بشر امروز خود را خدا می‌داند. این هم نوعی شیطان‌زدگی است. راه رستگاری، مهدویت انقلابی است» (همان: ۳۳).
	«بیشتر مردهای ایرانی، دست کم صدی هفتادشان آمادگی تحمل استقلال اقتصادی زن را ندارند، یعنی دلیلی را که زن به دنبال استقلال مالی رفته، تحمل نمی‌کنند...» (همان: ۴۱).
	«استاد مانی بیش از سیمین سرد و گرم روزگار چشیده» (همان: ۶۶).

انواع تضاد	نمونه
	«اشک به چشم‌های آبی زن آمد، گفت: اول نوبت من است. اینجا <u>وطن دوم</u> هست اما رفتن به <u>وطن اول</u> نمی‌توانم. زیر چکمه روس‌هاست» (همان: ۶۹).
واژگانی	«آرایشی بفهمی نفهمی کرد» (همان: ۷۵).
	«شاید هم به زبان بی‌زبانی می‌گویند کسی نیست به داد ما برسد؟» (همان: ۶).
جهتی	«هستی گفت: خواستگاری می‌کند. اگر <u>نکرد</u> خودم قدم پیش می‌گذارم» (همان: ۱۱).
	«مراد گفته بود با جریان آب شنا کردن آسان است، اما <u>خلاف</u> جریان آب شنا کردن سخت» (همان: ۱۸).
ضمنی	«واقعاً بار امانت چیست که <u>آسمان</u> و <u>زمین</u> و کوه‌ها بر دوش نگرفتند و انسان پذیرفت» (همان: ۴۸).
	«در هند معبد و مسجد و کنشت در کنار هم در یک گذرند» (همان: ۷۷).
	«سر بالایی را یا خودمان می‌پیمایم یا با پس‌گردنی و اردنگی وامی‌دارندمان که بیمایم» (همان: ۹۶).
	«مقدرتر از خورشید باش و زودتر از او طلوع کن، وانگهی برای <u>خوایدن</u> وقت بسیار است» (همان: ۷).
	«ملت ایران به صف عادت نخواهند کرد. تا ابدالاباد. دعوا هم شد. بزن بزن هم کردند. چراغ سبز می‌شد و قرمز می‌شد» (همان: ۴۰).

۲-۱-۲) کلمات رسمی و محاوره‌ای

هر یک از دو بافت رسمی و عامیانه، واژگان خاص خود را دارد. تعابیر عامیانه، واژه‌ها و تعبیرهایی است که در میان گروه‌های پایین جامعه رایج می‌شود. این بخش از زبان در موقعیت‌های رسمی پذیرفتنی نیست؛ زیرا نامأنوس، ناهموار، تند و گاه دور از ادب و گستاخانه است. در سویه مقابل، واژه‌های فاخر قرار دارند که دارای شکوه و اعتبار اجتماعی بالایی هستند (ر.ک: فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۵۳). برای سبک‌شناس دانستن این که در یک پیکره زبانی میزان واژه‌های رسمی و فاخر بیش‌تر است یا واژه‌های عامیانه و محاوره‌ای، اهمیت‌شایانی دارد. در رمان «جزیره سرگردانی» گاه با ترکیبات یا اصطلاحاتی مواجه می‌شویم که متناسب با حیطه فکری و موقعیت زمانی، مکانی و شرایط حاکم بر فضای زندگی و اندیشه شخصیت‌ها به کار می‌روند. نکته حائز اهمیت این است که میزان استفاده شخصیت‌ها از واژه‌ها و اصطلاحات عامیانه با طبقه اجتماعی، تحصیلات، شغل، دین و مذهب و موارد این چنین متناسب است» (قانونی و غلامحسینی، ۱۳۹۶: ۱۳۱). این موارد را از آنجا که در میان عامه جاری و ساری هستند «اصطلاحات مردمی» نامیده‌ایم. اینک نمونه‌هایی از این تعابیر ذکر می‌گردد:

«دست و پا مریزاد» (دانشور، ۱۳۷۲: ۹)؛ «مرا کفن کرده‌ای» (همان: ۱۵)؛ «لاغر و مردنی است» (همان: ۱۵)؛ «اولین عییم این است که در پیشانیم خریث نوشته شده» (همان: ۵۷)؛ «به قول استاد سی سال آزرگار بیخ ریشش مانده» (همان: ۶۶)؛ «اگر این دمامه جادو دست از سرت بردارد، من چه گناهی کردم که اجاقش کور است» (همان: ۶۳)؛ «من فکر می‌کنم که اگر مطلق باشم چیز چرندی از آب در می‌آیم» (همان: ۸۸)؛ «می‌دانست عیدی پرویز را که بدهد، لب و ور می‌چیند و گله می‌کند» (همان: ۹۴)؛ «هوا پس بود و قمر در عقرب بود» (همان: ۹۴)؛ «سر بالایی را یا خودمان می‌پیمایم یا با پس‌گردنی و اردنگی وامی‌دارندمان که بیمایم» (همان: ۹۶)؛ «زهوار پتوهمان دررفته» (همان: ۸۵).

۲-۱-۳) وجهیت (مدالیت)

ایدئولوژی در هر اثری در سطح‌های مختلف زبانی قابل بررسی است. از نظام آوایی گرفته تا واژگان و ساخت‌های نحوی. اما به باور فتوحی (۱۳۹۰: ۲۵۳)، در میان آن‌ها «ساخت‌های نحوی» از جنبه ایدئولوژیک اهمیت بیشتری برخوردار است.

یکی از الگوهای مهم دستوری که در سبک‌شناسی بررسی می‌شود، «وجهیت» و پیوند آن با دیدگاه نویسنده است. اینک با توجه به رمان «جزیره سرگردانی» این جهت‌گیری در مقوله صفت و قید بررسی می‌شود.

۲-۱-۳-۱ وجهیت در صفت

یکی از عناصری که در بیان وجهیت در زبان نقش دارد، صفت است. «صفت نیز مانند قید، توضیحی درباره اسم می‌دهد. وجه وصفی، بیانگر موضع مثبت یا منفی نویسنده نسبت به شخصیت‌های داستان و ارزش‌گذاری او نسبت به اعمال و رفتار آنهاست» (احمدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۴۶). چنانچه در مثال زیر دیده می‌شود دانشور، برای بیان گفتمان‌هایی چون عدالت‌جویی، آزادی‌خواهی و مبارزه با شکاف طبقاتی، به طور خودآگاه و ناخودآگاه از داستان‌های اسطوره‌ای بابک خرم‌دین بهره گرفته است. نویسنده با یادآوری این قهرمانان در صدد بیدارساختن روحیه ملی‌گرایی در مردم است. او برای ایجاد زمینه‌های تفکر و تعمق درباره مفاهیمی چون غرب‌زدگی و عدالت‌جویی و از سویی دیگر برای ترغیب و تشویق مخاطب برای به دست آوردن آرمان‌هایی نظیر آزادی از پادهای اسطوره‌ای استفاده کرده است. در مثالی که در زیر آورده شده است، راوی (هستی: از شخصیت‌های اصلی رمان) با توجه با شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه و تلاش افراد برای به دست آوردن آزادی و... چنین اسطوره‌ای را بیان می‌کند. به گونه‌ای می‌توان گفت دانشور با استفاده از راهبرد شخصیت‌پردازی، متن اسطوره‌ای بابک خرم‌دین را گفتمان‌سازی نموده است. نبرد بابک و کشته شدن او می‌تواند تکراری از مصادیق اسطوره‌ای و جنبه‌های ایدئولوژیک گفته‌پرداز باشد که به تحقق هدف گفتمان و آگاهی انتقادی ختم شده است. نویسنده برای ترغیب و تشویق مخاطب، به‌مقام والای بابک اشاره دارد و او را در صفت بلندی مقامنسبت به دیگر شخصیت‌ها ارجحیت می‌دهد:

جدول شماره ۳. وجهیت در صفت و بررسی انواع آن در رمان «جزیره سرگردانی» دانشور

آزاد (بدون قید)	«هستی گفت: اما خود ملکی سوسیالیست بود، یک سوسیالیست آزادی‌خواه ایرانی» (دانشور، ۱۳۷۲: ۲۸).
درجات صفت	«اما تو، توها که متمدن هستید زندانیان سیاسی را به جزیره سرگردانی حواله می‌دهید» (همان: ۲۰۳).
برابرتاری (وصف متوسط با قید)	«عصر ما عصر کافکایی است. بازتاب ناهشیار افسرده و بی‌شخصیت کافکاست» (همان: ۳۳).
برترتاری (وصف قوی شده با قید)	«بابک خرم‌دین یک سر و گردن از مردم زمانه‌اش بلندتر بود و آرزوهای بزرگ داشت» (همان: ۳۱۲).
ابرتاری	«رنسانس بزرگترین تحول بشری است. انسان‌گرایی رنسانس قابل توجه‌ترین پدیده‌ای است که بشر به آن رسیده» (همان: ۳۱).

۲-۱-۳-۲ وجهیت در قید

قیدها فرآورده دیدگاه و نگرش گوینده درباره موضوعند و شدت و ضعف تلقی، باور و دل‌بستگی وی را به عقاید و ایدئولوژی‌ها نشان می‌دهند. «از طریق بررسی قیدها می‌توان میزان واقع‌گرایی، آرمان‌گرایی و احساساتی بودن سبک گوینده را بازشناسی کرد. مثلاً کاربرد قیدهای شدید، سبک را به جانب اغراق و مبالغه سوق می‌دهد و نشان‌دهنده موضع‌گیری

عاطفی گوینده درباره موضوع است» (ر.ک: فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۹۱). اینک به نمونه‌هایی از انواع قیدها و دیدگاه‌ها در رمان جزیره سرگردانی توجه کنید:

- «ما ملت باهوش سیه‌روزی هستیم. در وطن خود غریبیم، مگر {نوع دیدگاه: شک و تردید} برویم امریکا و برق فشار قوی بکشیم» (دانشور، ۱۳۷۲: ۱۶۸)؛

- «سلیم فکری کرد و ادامه داد: بعضی {دیدگاه: نسیت} مردها از کار زنشان در اداره دچار دودلی می‌شوند» (همان: ۴۲)؛

- «مگر {دیدگاه: شک و تردید} عقلت پارسنگ می‌برد که به این خراب شده برگشتی؟» (همان: ۱۲۴).

- «سلیم گفت: انسان چه چپ، چه راست و چه میانه‌رو، باید اول واقعاً {دیدگاه: ایجاب} انسان باشد، و انسان دوست» (همان: ۳۱)؛

- «این خانه را آتش می‌زنند. شاید {دیدگاه: احتمال} خانه بهتری ساختند» (همان: ۲۴۰)؛

- «این را هم می‌دانست که قدرت‌ها همیشه وجود دارند و بیشترشان {دیدگاه: مقدار} هم زورگو هستند» (همان: ۳۱۲)؛

- «مگر تعداد روشنفکران چقدر است؟ پانصد هزار؟ یک میلیون؟ و تازه بیشترشان {دیدگاه: مقدار} دن کیشوت‌هایی بیش {دیدگاه: مقدار} نیستند. دن کیشوتیزم جهان سوم. بگیر و ببندهای حکومت هم بیشتر {دیدگاه: مقدار} متوجه روشنفکران و چپ‌گراهاست» (همان: ۲۴۰).

با توجه به مثال اخیر ذکر این نکته لازم است که برخی واژگان که بار معنایی مهمی دارند، چندین بار در گفت‌وگو تکرار می‌شوند. از این رو، این راهبرد برای کشف واژه‌های کلیدی متن که ایدئولوژی پنهان آن را روشن می‌سازند، بسیار سودمند است (ر.ک: قنبری، ۱۴۰۰: ۱۲۵). برای مثال قید مقدار بیشتر در مثال اخیر، بازگو کننده جامعیت و درجه شمول گسترده تری است. نکته دیگر این که استفاده بسیار از قیود شک و تردید در این رمان از ویژگی‌های رمان‌های زنان است. زنان چون در جایگاه ناتوانی قرار داشته‌اند، در اظهار نظرها، بیشتر از قیده‌های تردید استفاده می‌کنند.

۲-۲) کنش تأثیری

کنش تأثیری، سومین کنش از انواع کنش‌های گفتار است که در آن «تولید کننده متن به دنبال راهبردهای بلاغی است تا بتواند به شکلی کلام مورد نظر را بیان کند که بر مخاطب تأثیر بگذارد، یعنی بیشترین تأثیرگذاری را داشته باشد» (ر.ک: آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۷؛ قنبری، ۱۴۰۰: ۱۳۰). این کنش همان است که فرکلاف از آن به عنوان «سبک یا ژانر چگونگی بیان» نام می‌برد (ر.ک: فرکلاف، ۱۳۷۹: ۷۵ و ۱۱۲). لازم به ذکر است که الزامی وجود ندارد کنش پس‌بینی مخاطب دقیقاً همان چیزی باشد که گوینده انتظار دارد (ر.ک: صفوی، ۱۳۷۹: ۱۷۶). در این بخش از پژوهش به بررسی استعاره و کنایه که بیشترین تأثیرگذاری را بر مخاطبان رمان دارند، پرداخته شده است:

۲-۲-۱) انواع استعارات

استعاره دستوری یکی از مهم‌ترین نوآوری‌ها در زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند است که از طریق دو انگاره لایه‌ای و معنایی مورد بررسی قرار گرفته است. انگاره لایه‌ای، استعاره دستوری را بر حسب تنش لایه‌ای بین معنی‌شناسی گفتمان و واژگان دستور مورد بحث و بررسی قرار داده است. این پدیده زبانی - شناختی که یکی از پرکاربردترین جلوه‌های بلاغت و در عین حال پیچیده‌ترین آن‌هاست، در متن رمان «جزیره سرگردانی» دانشور جلوه یافته است. پرسش اصلی در این بخش از پژوهش این است که کارکردهای اساسی استعاره دستوری در گفتمان سیاسی فارسی چیست؟ و چرا از استعاره دستوری در متون استفاده می‌کنند؟

۲-۲-۱-۱) استعاره‌های هستی‌شناختی

استعاره‌هایی که از راه آن‌ها یک مفهوم انتزاعی به واسطه در نظر گرفتنش به عنوان یک شیء، ماده، ظرف و یا یک شخص به شکلی ویژه مقوله‌سازی می‌شود، در طبقه استعاره‌های هستی‌شناختی معرفی می‌شود (ر.ک: افراشی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸). استعاره‌های هستی‌شناختی «مفاهیم غیرمادی و غیرفیزیکی» را به گونه‌ای مفهوم‌سازی می‌کنند که گویی فیزیکی و تجربه‌پذیرند (افراشی و حسامی، ۱۳۹۲: ۲۶ به نقل از آرتیث دیاث گرا، ۲۰۰۹: ۶۰). استعاره‌های هستی‌شناختی را به دو نوع پدیده‌ای یا مادی و تشخیصی تقسیم کرده‌اند.

۲-۲-۱-۱-۱) پدیده‌ای / مادی

استعاره‌های پدیده‌ای و مادی به مفاهیمی که ذاتاً پدیده یا ماده نیستند، ارزش پدیده‌ای و جسمی می‌دهند؛ در واقع در این نوع استعاره‌ها، انسان‌ها تجربیات‌شان را در قالب اشیاء و اجسام درک می‌کنند. بدون این که دقیقاً مشخص شود که منظور چه نوع شیء جسمی است. «نسبت دادن فعل یک فاعل به فاعل دیگر و داد و ستد استعاری میان افعال، موجب پویاسازی اندیشه و حرکت بخشی به سبک می‌شود. بخش زیادی از طروا، پویایی و دینامیسم سبکی نوحاسته از کاربرد استعاره‌های فعلی است» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۱۷). برای مثال در نمونه‌های زیر «وسوسه»، «حرف»، «مزه» و «غیبت» که مفاهیمی مجرد و انتزاعی دارند، به مثابه شیئ ملموس، در نظر گرفته شده‌اند:

- «وسوسه» به مثابه عاملی تأثیرگذار
- «وسوسه مال و منال سلیم او را به این روز نینداخته؟» (دانشور، ۱۳۷۲: ۱۶۱).
- «غیبت» (که ذهنی است) به مثابه شیء (عینی)
- «غیبت او از اداره سر به فلک گذاشته بود» (همان: ۲۳۰).
- «گوشت انسان» به مثابه جسمی متحرک
- «به گفته تورانجان، گوشت آدم جوان بالای طاقچه است، دست دراز می‌کند و برش می‌دارد» (همان: ۲۷۹).
- «حرف» به مثابه جسمی دارای حجم و جرم
- «حرف‌های گنده‌تر از دهنش می‌زند» (همان: ۷۶).
- «گفتگو» به مثابه گیاه
- «گفتگوی مادر بزرگ و سلیم سخت گل انداخته بود» (همان: ۳۱).

۲-۲-۱-۱) استعاره‌های شخصیت‌بخشی یا تشخیصی

استعاره‌های تشخیصی یا جان‌دارپنداری یکی از انواع استعاره‌های مفهومی است که لیکاف و جانسون آن را معرفی کرده‌اند و در دسته استعاره‌های هستی‌شناختی قرار دارد. گاه اشیای فیزیکی شخص تلقی می‌شوند. در این استعاره‌ها دو درون‌داد وجود دارد؛ درون‌داد اول «موجود غیرانسان» است که ویژگی‌های انسانی به خود گرفته است و درون‌داد دوم «انسان» است که در دنیای واقعی این ویژگی‌ها را دارد. از ترکیب این دو درون‌داد، فضای آمیخته‌ای ایجاد می‌شود که در آن موجودی غیرانسان توانایی انجام کارهای انسانی را پیدا می‌کند (ر.ک: آهنگر، ۱۳۹۹: ۱۲۰). اینک نمونه‌هایی از این نوع استعاره در رمان «جزیره سرگردانی» دانشور ذکر می‌گردد:

- «هوش از سرم پرانید» (دانشور، ۱۳۷۲: ۶۰).

- «احساس می‌کردم همه‌ای در نور آفتاب و میان درختها افتاده است. گوش سپرد. پیامی داشتند: تن مپوشانید از باد بهار» (همان: ۱۰۴).

- «آسمان بیخودی اخم کرد و خوشید را به پشت چند تکه ابر کشانید» (همان: ۱۰۳).

- «حجرالاسود رسوایم کند، اگر دروغ بگویم» (همان: ۵۴).

در مثال‌های اخیر صورتی استعاری وجود دارد که در آن ویژگی‌ها و خصلت‌های انسانی (نظیر: صحبت و همه‌م کردن؛ اخم کردن؛ کشانیدن و حرکت دادن) به پدیده‌های غیرانسانی (درختان و آفتاب؛ آسمان و خورشید) نسبت داده می‌شود. کاربرد این نوع استعاره نسبت مستقیم با نگرش و عاطفه نویسنده دارد. «از ویژگی‌های شخصیت‌بخشی می‌توان به این موارد اشاره کرد: اعطای خصوصیات انسان به پدیده‌های دیگر؛ گسترش عواطف انسانی به درون اشیاء و هم‌دلی با پدیده‌ها؛ غلبه تخیل آدمی بر طبیعت» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۱۸).

از نظر گاه شناختی، حس آمیزی تجربه‌ای عصب‌شناختی است که از تحریک هم‌زمان دو حس در یک امر ادراکی ناشی می‌شود. آن‌چنان‌که گویی یکی از حس‌ها به طور استعاری کار حس دیگری را انجام دهد و امور مربوط به حواس مختلف به هم‌دیگر اسناد داده شوند. بیان حس آمیزی زمینه تصرف گوینده را در قوانین محدود و تکراری جهان فراهم می‌کند، پدیده‌های طبیعی در گستره ادراک ما آن‌قدر انعطاف‌پذیر می‌شوند که مزه‌ها شنیدنی و رنگ‌ها چشیدنی می‌شوند و بوها رنگ دارند. در چنین قلمروی ادراک پدیده‌ها چند بعدی خواهند شد (همان: ۳۱۸). دیگر استعاره‌های جان‌دار پنداری در رمان «جزیره سرگردانی» عبارت است از:

- «هستی با گوش جان آهنگ و نوا را می‌نیوشید» (دانشور، ۱۳۷۲: ۳۲۲). - «اگر گمان برد زن نامرد طبقه اول بویی

برده، بلد است سرش را شیره بمالد» (همان: ۳۱۹).

- «دل او را هم می‌سوزانید» (همان: ۲۶۰).

۲-۲-۱-۲) استعاره‌های جهت‌ی «استفاده از جهت‌ها برای هشارهای مثبت و منفی»

مفاهیم جهت‌ی برای قابل درک ساختن حوزه‌هایی انتزاعی مانند اوضاع روحی، وضعیت و زمان به کار رفته است. «استعاره‌های جهت‌ی با مفاهیمی که نشان دهنده جهت و موقعیت مکانی هستند (مانند بالا/ پایین، درون/ بیرون، جلو/ عقب، عمق/ سطح، مرکز/ حاشیه) در ارتباط‌اند» (یگانه، ۱۳۹۵: ۱۹۹). باید توجه داشت که اگرچه این استعاره‌ها، دل‌بخواهی

نیستند و از تجارب فیزیکی ما ناشی می‌شوند، بسته به فرهنگ‌های مختلف، می‌توانند تغییر کنند (Ortiz Diaz Guerra, 2009: 59). آنچه شواهد مختلف رمان‌جزیره سرگردانی نشان می‌دهد، بیانگر این موضوع است که نویسنده، گاه برای نشان دادن «هستارهای با ارزش و مثبت» از «جهت بالا» و گاه برای «هستارهای کم‌ارزش و منفی» از «جهت پایین» استفاده می‌نماید. هر چند خلاف این موضوع نیز به ندرت دیده می‌شود. اینک به مثال‌های زیر توجه کنید:

جدول شماره ۴. حوزه‌های مقصد و مبدأ برخی از استعاره‌های موجود در رمان «جزیره سرگردانی» دانشور

حوزه مقصد	حوزه مبدأ	ویژگی نکاشت شده	نمونه مورد استناد
جلو	اسم‌نگاشت استخراجی بر مبنای جهت مقابل	مانع شدن	«ترا خودم ساختم و حالا جلوم در میایی؟» (دانشور، ۱۳۷۲: ۵۷).
پایین	اسم‌نگاشت استخراجی بر مبنای جهت پایین	به مقامی والا رسیدن	«بنده را از خاک برداشتید» (همان: ۳۱۵).
پایین	اسم‌نگاشت استخراجی بر مبنای جهت پایین	اصیل	«سلیم گفت: درست است اما حزب توده عامل دگرگونی وضع فعلی نخواهد بود. حزب توده نه، توده مردم بله. توده مردم با اعتقادات ریشه‌دارشان و در عین جهل و فقر و کمبودهایشان» (همان: ۸۲).
		سر بردن، تمام کردن	«سخنرانی پدرش حوصله‌اش را سر برده بود» (همان: ۱۳۳).
بالا	اسم‌نگاشت استخراجی بر مبنای جهت فوق و بالا	سر به فلک گذاشتن، زیاد شدن و از حد گذشتن	«غیبت او از اداره سر به فلک گذاشته بود» (همان: ۲۳۰).
		به نهایت و اوج رسیدن	«وقتی کارها گره می‌خورد و به خرخره آدم می‌رسد، اگر آدم طمأنینه و صبر داشته باشد و نیروهایش را به طور حساب شده به کار گیرد، گره‌ها باز می‌شوند» (همان: ۲۶۲).
چپ	اسم‌نگاشت استخراجی بر مبنای جهت چپ	ناسازگاری و مخالفت کردن	«آیا سازهایی که سلیم و مراد می‌زنند چپ است؟ چپ اندر قیچی» (همان: ۱۷۵).

۲-۲-۱-۳ استعاره ساختی

استعاره‌های ساختی، وظیفه سازمان‌دهی و قالب‌بندی یک «مفهوم» را در حوزه یک مفهوم دیگر، به گونه‌ای نظام‌مند بر عهده دارند (Nubila, 2000: 75). به عبارت دیگر، نقش شناختی این استعاره‌ها این است که امکان درک حوزه مقصد الف را از راه ساختار حوزه مبدأ ب، برای زبان‌ور فراهم می‌کنند (Kovecses, 2010: 3) به نقل از یگانه، (۱۳۹۵: ۱۹۸). باز نمود این نگاشت را در رمان «جزیره سرگردانی» می‌توان دید: «اتوبوس از گردنه حیران خود را به سختی بالا می‌کشید.

گردنه پشت گردنه. طرف راستشان مرز شوروی بود. از آستارا به بعد قرارگاه‌های پاسداران مرزی، در ارتفاع و مشرف بر هر دو مرز، از جلو چشم‌های هستی می‌گریختند. هر پاسداری در یک اتاقک، دورین در دست یا بر چشم. اما کلمات حوصله، اطاعت، تحمل، ناتوانی از جوش آوردن، از ذهن هستی نمی‌گریخت. هستی حالش بهم خورد و در گردنه بعدی عق زد. مراد حوله خودش را از ساکش در آورد و رو به راننده گفت که نگاه دارد. راننده پرسید: سر این سربالائی؟ می‌خواهی همه را به کشتن بدهی؟ صدای یک مسافر به گوش هستی نوید داد: سه تا گردنه دیگر مانده. می‌رسیم به اردبیل، عیال منهم همیشه دلش آشوب می‌شود. اگر ابهام واقعیت تنها سه گردنه طول بکشد و آدم به مقصد برسد، می‌شود تحمل کرد. اما واقعیت‌های دنیای پیرامون هستی چنان پیچیده‌اند که حتی کلام از پششان بر نمی‌آید، نمی‌شود توجیه‌شان کرد، و نه می‌توان از شان دفاع کرد؛ وای به روزی که نتوانیم تحملشان کنیم» (دانشور، ۱۳۷۲: ۱۸۲).

دانشور توسط فرایند «مدلسازی و تبیین استعاری» بسیاری از استعاره‌های دشوار را بر اساس مفاهیم ساده‌تر و عینی‌تر و برجسته‌سازی ویژگی‌های مشترک مفاهیم توضیح می‌دهد و توسط این مدلسازی فرایند فهم آن‌ها را آسان می‌کند. در مثال اخیر، گردنه استعاره‌ای از سختی‌ها و مشکلات است. دانشور مانند دیگر احزاب سیاسی در تلاش است مخاطبان خود را متقاعد کند که سختی‌ها و مشکلات زودگذر هستند و در صورتی قابل تحمل هستند که آدمی بداند در آینده‌ای محقق‌الوقوع این سختی‌ها به اتمام می‌رسند؛ در غیر این صورت به هیچ عنوان قابل تحمل و توجیه شدن نیستند و نمی‌توان از آن‌ها دفاع کرد.

۲-۲-۲) عبارت‌بندی دگرسان

فرکلاف درباره عبارت‌بندی دگرسان چنین می‌گوید که «جمله به نحو منظم جای خود را به جمله‌های دیگری می‌دهد که این جملات در تقابل آگاهانه با هم قرار دارند» (Fairclough, 1989:133). مباحث علم بیان می‌تواند مصداق عبارت‌بندی دگرسان باشند. در آثار مورد بررسی، سخن گفتن شخصیت‌ها با یکدیگر تغییر می‌کند که از دو منظر می‌توان بدان پرداخت: نخست سخن گفتن شخصیت‌های داستان با یکدیگر با توجه به موقعیت و یا مقام مخاطب و دیگر سخن گفتن راوی که در هر دو جایگاه نقش موقعیت در مباحث بیان و بدیع و معانی برجسته می‌شود. در این بخش از پژوهش به بررسی کنایه در آثار مذکور، پرداخته شده است. لازم به ذکر است که بررسی به استعاره نیز در بخش‌های دیگر این پژوهش، صورت گرفته است.

۲-۲-۲-۱) کنایه

در لغت به معنی ترک تصریح است و در اصطلاح به معنی ذکر ملزوم و اراده لازم یا ذکر لازم و اراده ملزوم است. صاحب معالم‌البلاغه آن را لفظی می‌داند که اراده شود از آن لازم معنی اصلیش یا جواز اراده معنی اصلی در حین اراده لازم (ر.ک: رجایی شیرازی، ۱۳۵۴: ۳۲۴ به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۱۱۱). انواع کنایات در رمان «جزیره سرگردانی» عبارتند از:

۲-۲-۲-۲) رمز

وسائط در آن اندک است و انتقال از معنی ظاهر به باطن دشوار و گاهی غیر ممکن است. مثل «عریض القفا» که بر کودنی شخص اشاره دارد. عریض القفا یعنی کسی که پشت سرش پهن یا صاف باشد، اما دقیقاً معلوم نیست که چرا چنین امری را نشانه بلاهت می‌دانستند. یا «ناخن خشک» به معنی خسیس و دست کج به معنی دزد و دراز بالا به معنی نادان در نظر گرفته

شده است و یا «بدلعاب» در مثال: «مارشال ننه می گوید: می رنجدها، نمی دانید چه بدلعاب است. کینه شتری دارد» (دانشور، ۱۳۷۲: ۵۶).

۲-۲-۲-۲-۲ ایما

در این نوع وسائط اندک و ملازمه آشکار است. رایج ترین نوع کنایه است. مثل سپر انداختن به معنی تسلیم شدن؛ رخت برپستن: سفر کردن و رفتن؛ پخته خوار: تنبل و بی عار. برخی از این نوع کنایه از رمان «جزیره سرگردانی» ذکر می گردد: - «مراد، مادر جان، دورت بگردم، هستی رفته خانه مادر نمک به حرامش خرجمالی، و من تنهای تنهایم» (همان: ۱۰۵).

- «هستی به این نتیجه رسیده بود که استاد مانی بیش از سیمین سرد و گرم روزگار چشیده و زنش لابد از عشق خیر داشته که این همه راه را از چکوسلواکی تا تهران همراه او آمده و به قول استاد سی سال آزرگار بیخ ریشش مانده» (همان: ۶۶).

- «شاهین گفت: یک استاد خپله - که حرف‌های گنده تر از دهنش می زند تا کسی کوتاهی قدش را دید نزند - یک روز سر کلاس، جلال را تجزیه و تحلیل کرد و گفت: در زندگی کوتاهش چقدر رنگ عوض کرده... و به این نتیجه رسید که جلال آدم عادی نبوده» (همان: ۷۶).

- «هستی در دل می خندید. به ریش سلیم می خندید؟» (همان: ۹۰).

- «توران جان هم خانه را اجاره می دهد و خرت و پرتها را می فروشد و شاهین را بی دغدغه می فرستد امریکا، دیگر آن همه دست و دلش برای یک شاهی صنار کردن می لرزد» (همان: ۹۷).

۲-۲-۲-۲-۳ کنایه از فعل / مصدر

«فعل (گروه فعلی) یا مصدری (مصدر مرکب) مکنی به در معنای فعل یا مصدر دیگری (مکنی عنه) به کار رفته باشد و این رایج ترین کنایه است» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۶۸). کنایه از فعل بخش گسترده‌ای از کنایات به کار رفته در سخن منظوم و منثور فارسی را تشکیل می دهد و یکی از دست‌مایه‌های هنری شاعر یا نویسنده است که بدون آن عذوبت و زیبایی هنری خود را از دست می دهد؛ این نوع کنایه در رمان جزیره سرگردانی نیز دیده می شود؛ مانند:

«مگر عقلت پارسنگ می برد که به این خراب شده برگشتی؟» (دانشور، ۱۳۷۲: ۱۲۴)؛ «بچه‌ها که آتش‌ها را سوزانیدند، گفتند تحفه‌ها را باز کن» (همان: ۲۶۰)؛ «هستی را به جای سیمین می گیرد» (همان: ۲۶۴)؛ «هنوز اسم مرا یاد نگرفته. کار زیادی هم بلد نیست. اما تا بخواهی مهربان است» (همان: ۲۶۳)؛ «تمام زن‌های امریکایی را سوسک کردم» (همان: ۹)؛ «حالا ناز شست می خواهی» (همان: ۱۰)؛ «انگار همیشه بر سر آتش نشسته» (همان: ۱۵)؛ «به ریش سلیم می خندید؟» (همان: ۹۰)؛ «هستی می توانست به آقای گنجور رو بزند» (همان: ۱۴)؛ «سرش را بخورد» (همان: ۱۹)؛ «در یک مجلس رقاصی با هم شلنگ تخته انداختند» (همان: ۱۹)؛ «تورانجان اندیشیده بود که زمانه مشیت همه را باز می کند» (همان: ۱۴۵) و غیره.

۲-۲-۲-۲-۴ کنایه از صفت

در کنایه صفت «مکنی به صفتی است که باید از آن متوجه صفت دیگری (مکنی عنه) شد. مثلاً از بی نمک، بی مزه و از سرافکنده، خجل و از سیه گلیم بدبخت را می فهمیم» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۶۸). این نوع کنایه در رمان جزیره سرگردانی نیز

دیده می‌شود؛ مانند: «چاق و سرخ و سفید شده بود» (دانشور، ۱۳۷۲: ۱۰)؛ «از آقای گنجور رو گرفته بود» (همان: ۱۰)؛ «به من امکان می‌دهد زن نوی که می‌خواهم، بشوم» (همان: ۱۵)؛ «مگر زن نو و کهنه دارد؟» (همان: ۱۵)؛ «نمی‌دانید چه بد لعاب است» (همان: ۵۶)؛ «هستی یادش بود که بعد از آن کلاس، شاهین تا چند روز مثل مرغ سرکنده بال بال می‌زد» (همان: ۸۱)؛ «تورانجان به مهرماه می‌گوید: زنکۀ بی‌چشم و روی فضل فروش» (همان: ۱۵۳)؛ «زن‌ها شوربان شماره دو بوده‌اند که فقط بایستی شور بزنند» (همان: ۱۶۱)؛ «باید می‌رفت و سلیم آب زیرکاه را فراموش می‌کرد» (همان: ۱۶۱)؛ «او تو سلیم، یک پهلوان پنبه، یک دن کیشوت بیشتر نیستی» (همان: ۱۶۶) و غیره.

نتیجه

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته شده در رمان «جزیره سرگردانی» می‌توان به این نتایج دست یافت که: شمول معنایی و تضاد معنایی از جمله شگردهایی هستند که بر پایهٔ همنشینی قرار گرفته‌اند که ارتباط این واژگان با جامعهٔ عصر نویسنده، سبب تقویت و تأکید معنی مورد نظر او می‌شود. این واژگان در این رمان «جزیره سرگردانی» بیان‌گر وخامت اوضاع آشفته سیاسی - اجتماعی ایران دههٔ پنجاه و تسلط بیگانگان بر کشور را بیان می‌کنند که روح و روان نویسنده را درگیر ساخته است و در گزینش واژه‌های رمان و تقابل‌های دوگانه آن نفوذ بسیاری داشته است. در مبحث مربوط به استعاره‌ها، نسبت دادن فعل یک فاعل به فاعل دیگر و داد و ستد استعاری میان افعال، موجب پویاسازی اندیشه و حرکت بخشی به سبک می‌شود. بخش زیادی از طروحات، پویایی و دینامیسم سبکی نوحاسته از کاربرد استعاره‌های فعلی است. آنچه شواهد مختلف این رمان نشان می‌دهد، بیانگر این موضوع است که نویسنده‌گاه برای نشان‌دادن «هستارهای با ارزش و مثبت» از «جهت بالا» و گاه برای «هستارهای کم‌ارزش و منفی» از «جهت پایین» استفاده می‌نماید. از دیگر نتایج برآمده از پژوهش این است که دانشور توسط فرایند «مدل‌سازی و تبیین استعاری» بسیاری از استعاره‌های دشوار را بر اساس مفاهیم ساده‌تر و عینی‌تر و برجسته‌سازی و ویژگی‌های مشترک مفاهیم توضیح می‌دهد و توسط این مدل‌سازی فرایند فهم آن‌ها را آسان می‌کند. در این رمان گاه با ترکیبات یا اصطلاحاتی مواجه می‌شویم که متناسب با حیطهٔ فکری و موقعیت زمانی، مکانی و شرایط حاکم بر فضای زندگی و اندیشهٔ شخصیت‌ها به کار می‌روند. نکتهٔ حائز اهمیت این است که میزان استفادهٔ شخصیت‌ها از واژه‌ها و اصطلاحات عامیانه با طبقهٔ اجتماعی، تحصیلات، شغل، دین و مذهب و موارد این چنین متناسب است. دانشور با استفاده از الفاظ، عبارت‌ها و اصطلاحات عامیانه، به ادبیات مردم کم‌سواد و طبقات متوسط و پایین جامعه توجه می‌کند. زبان او در رمان‌هایش متفاوت و وابسته به نوع و فضای رمان است. در بخش‌هایی که شخصیت آنان مردم عادی و متوسط جامعه هستند، زبان شخصیت‌ها زبانی است که از عناصر فولکلوریک و زبان تودهٔ مردم بهره می‌گیرد. کاربرد قید به عنوان یکی از مهم‌ترین نمایه‌های زبان‌شناختی در رمان جزیره سرگردانی است که مبین میزان و شدت جهان‌بینی است. بنابراین توجه به گزینش شکل قیدها و نیز محتوایی که برای آن‌ها بیان شده‌اند، بسیار حائز اهمیت است. گویی هدف نویسنده نشان دادن میزان ظاهری مردم و شدت آن است که با این شیوه آن را به نقد کشیده است. نکتهٔ دیگر این که استفادهٔ زیاد از قیود شک و تردید در این رمان از ویژگی‌های رمان‌های زنان است. زنان چون در جایگاه ناتوانی قرار داشته‌اند، در اظهار نظرها، بیشتر از قیدهای تردید استفاده می‌کنند.

تعارضی منافع

طبق گفته نویسنده، پژوهش حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع است.

منابع

- آقاگل زاده، فردوس. (۱۳۹۴). تحلیل گفتمان انتقادی. چاپ سوم. تهران: علمی و فرهنگی.
- آهانگر، عباسعلی؛ امیرمشهدی، محمد. (۱۳۹۹). «تحلیل استعاره‌های بوستان سعدی بر اساس نظریه آمیزه مفهومی». علم زبان. سال ۷. شماره ۱۲. صص: ۱۵۲-۱۰۵.
- احمدی، آرام؛ فرصتی جویباری، رضا و حسن پارسایی. (۱۴۰۰). «بررسی مقوله وجهیت در رمان «شوهر عزیز من» اثر فریا کلهر بر اساس دیدگاه فاولر». زبان پژوهی. سال ۱۳. شماره ۳۸. صص: ۳۵۲-۳۲۷.
- افراشی، آریتا؛ مقیمی زاده، محمد مهدی. (۱۳۹۳). «استعاره‌های مفهومی در حوزه شرم با استناد به شواهدی از شعر کلاسیک فارسی». زبان‌شناخت. دوره ۵. شماره ۲. صص: ۲۰-۱.
- افراشی، آریتا؛ حسامی، تورج و کریستینا سالاس بنا تریس. (۱۳۹۱). «بررسی استعاره‌های جهتی در زبان‌های اسپانیایی و فارسی». پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی. شماره ۴. صص: ۲۵-۱.
- پالمر، فرانک رابرت. (۱۳۸۱). نگاهی تازه به معناشناسی. ترجمه کوروش صفوی. تهران: مرکز.
- تاجیک، محمد رضا. (۱۳۷۹). گفتمان و تحلیل گفتمانی. چاپ ۱. تهران: فرهنگ گفتمان.
- چندلر، دانیل. (۱۳۸۷). مبانی نشانه‌شناختی. ترجمه محمد پارسا. تهران: سوره مهر.
- دانشور، سیمین. (۱۳۷۲). جزیره سرگردانی. تهران: خوارزمی.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۷). «تفاوت کنایه با ضرب‌المثل». پژوهش زبان و ادبیات فارسی. شماره ۱۰. صص: ۱۳۳-۱۰۹.
- رجایی شیرازی، محمدخلیل. (۱۳۵۳). معالم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع. شیراز: دانشگاه شیراز.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۸۷). نشانه‌شناسی کاربردی. تهران: علم.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). بیان. چاپ نهم. تهران: فردوس.
- صفوی، کوروش. (۱۳۷۹). درآمدی بر معناشناسی. تهران: سوره مهر.
- فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: سخن.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه فاطمه شایسته پیران، شعبان علی بهرام‌پور، رضا ذوقدار مقدم، رامین کریمیان، پیروز ایزدی، محمود نیستانی و محمدجواد غلامرضا کاشی. چاپ اول. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ای.
- قانونی، حمیدرضا؛ غلامحسینی، پروین. (۱۳۹۶). «ادبیات عامه (ضرب‌المثل‌ها و کنایات) و بازتاب آن در رمان‌های جلال آل احمد». مطالعات زبانی و بلاغی. سال ۸. شماره ۱۵. صص: ۱۴۰-۱۱۷.
- قنبری، رضا؛ فیروزیان، آیلین. (۱۴۰۰). «تحلیل گفتمان انتقادی رمان چشم‌هایش از بزرگ علوی بر اساس نظریه نورمن فرکلاف». زبان پژوهی. سال ۱۳. شماره ۴۰. صص: ۱۴۲-۱۱۵.
- لاینز، جان. (۱۳۵۷). چومسکی. ترجمه احمد سمیعی. تهران: خوارزمی.
- موحد، ضیاء. (۱۳۸۵). شعر و شناخت. چاپ ۲. تهران: مروارید.
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۹۳). گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی. چاپ سوم. تهران: هرمس.
- یگانه، فاطمه؛ افراشی، آریتا. (۱۳۹۵). «استعاره‌های جهتی در قرآن با رویکرد شناختی». جستارهای زبانی. شماره ۵. صص: ۲۱۶-۱۹۳.

References

Aghagolzadeh, F. (2014). Tahlil-e Gofteman-e Enteghagi. 3th edition. Tehran: 'Elmi va Farhangi.

- Ahangar, 'A, & M. Amir Mashhadi. (2019). Tahlile Este'arehay-e Bostan-e sa'di Bar Asas-e Nazariye-ye amize-ye mafhoomi. 'Elm-e Zaban. 7(12). Pp. 105-152. [in persian]
- Ahmadi, A; Forsati Joibari, R. & H. Parsayi. (2021). Barresi-ye Maghole-ye vajhiyat Dar Roman-e shohar-e 'aziz-e man Asar-e Fariba Kalhor bar Asas-e Didgah-e Fowler. Zabanpazhoohi. 13(38). Pp. 327-352. [in persian]
- Afrashi, A. & M.M. Moghimizadeh. (2013). Este'arehay-e mafhoomi dar hoze-ye sharm ba Estenad be Shavahedi az she'r-e Kelasik-e farsi. Zabanshenakht. Vol. 5(2). Pp. 1-20. [in persian]
- Afrashi, A; Hesami, T. & K. Be'ateris. (2011). Barresi-ye este'arehaye jahati dar zabanhay-e espaniyayi va farsi. Pazhooheshhaye Zaban va Adabiyat-e Tatbighi. No. 4. Pp. 1-25. [in persian]
- Arieti, S. (1974). Interpretation of schizophrenia. New York. Basic Books. pp.249-266.
- Chandler, D. (2008). Mabani-ye Neshaneshenakhti. Tarjome-ye Mohammad Parsa. Tehran: Soore-ye Mehr.
- Daneshvar, S. (1993). Jazirey-e sargardni. Tehran: Kharazmi.
- Fotoohi, M. (2011). Sabkshenasi-ye nazariyeha, rooykardha va ravesgha. Tehran: Sokhan.
- Fairclough, N. (2000). Tahlil-e Enteghadi-ye Gofteman. Tarjome-ye Fatemeh Shayeste Piran & others. First Edition. Tehran: Markaz-e Motale'at va Tahghighat-e Rasane'i.
- Ghanooni, H. & P. Gholamhoseini. (2016). Adabiyat-e 'amme (Zarbolmasal va Kenayat) va baztab-e an dar romanhay-e jalal al ahmad. Motale'at-e Zabani va Balaghi. 8(15). Pp. 117-140. [in persian]
- Ghanbari, R. & A. Firoozian. (2021). Tahlil-e enteghadi-ye gofteman roman-e chashmghayash az Bozorg 'Alavi, bar Asas-e nazariyeye Norman Fairclough. Zabanpazhoohi. 13(40). Pp.115-142. [in persian]
- Kovecses, Z. (2010). Metaphor and Emotion. Language Culture and Body in Human Feeling. Cambridge: Cambridge university press.
- Lines, J. (1978). Chomsky. Tarjome-ye Ahmad Sami'i. Tehran: Kharazmi.
- Mowahed, Z. (2005). She'r va shenakht. 9th edition. Tehran: Morwarid.
- Nubiola, J. (2000). El valor cognitive de las Metaphoras. Pamplona. P. perez- ILzarbay R. Lazaro. Eds. Verdad bibnybelleza. Cuandolosfilosofoshablan de losvalires, Cuadernos de AnuarioFilosofico, No.103.
- Ortiz Diaz Guerra, M.J. (2009). La Metaphora visual Incorporada: Aplicacion de la Teoria Integrada de la Metaphoraprimaria a un corpus a un corpus Audiovisual. Phd. Dissertation. Alicante: Universidad de Alicante. Departamenti de Comunicacion y Psicologia Social.
- Palmer, F. (2002). Negahi Taze be Ma'nashenasi. Tarjome-ye Korosh Safavi. Tehran: Markaz.
- Rajayi Shirazi, M. (1974). Ma'alem ol-balagha dar 'elm-e ma'ani va bayan va badie'. Shiraz: Daneshgah-e Shiraz.
- Sojoodi, F. (2013). Neshaneshenasi-ye karbordi. Tehran: 'Elm.
- Shakri, J. (2014). Investigation of the components of narrative time in the novel ZhiriSarbandari and SarabanSarbandar. Contemporary Persian Literature. 5th year. 3rd issue. Pp. 111-89.
- Shamisa, s. (2002). Bayan. 9th edition. Tehran: Ferdows.
- Safavi, K. (2000). Daramadi bar ma'na shenasi. Tehran: Soore-ye Mehr.
- Scholes, R. (2008). Elements of Story. Tarje Farzaneh Taheri. Tehran: Nahr-e-Karzan.
- Tajik, M. (2000). Gofteman va tahlil-e goftemani. First Edition. Tehran: Farhang-e Gofteman.
- Yarmohammadi, L. (2013). Goftemanshenasiye rayej va enteghadi. 3th edition. Tehran: Hermes.
- Yeganeh, F. & A. Afrashi. (2015). "Este'arehaye Jahati dar Ghoran ba rooykard-e shenakhti. Jostarhay-e Zabani. No. 5. Pp. 193-216. [in persian]
- Zolfaghari, H. (2008). Tafavot-e kenaye ba Zarbolmasal. Pazhoohesh-e Zaban va Adabiyat-e Farsi. No. 10. Pp. 109-133. [in persian]